

یادداشت

اقتصاد زیر سایه نفوذ و رانت

آلبرت بغریان، عضو هیئت علمی دانشگاه تهران: در ارزیابی عملکرد اقتصادی دولت آقای مسعود پزشکیان، باید به این نکته توجه کرد که در موضوعاتی مانند اشتغال، تولید و زیرساخت‌هایی مانند تأمین برق، نمی‌توان در بازه کوتاه‌مدت و یک‌ساله قضاوت دقیقی داشت؛ زیرا این مسائل نیازمند زمان و زیرساخت‌هایی است که پیش از شروع به کار دولت چهاردهم شکل گرفته‌اند و تغییرات عمده در آنها ظرف یک سال ممکن نیست. اما شاخص‌هایی مانند نرخ ارز و تورم را می‌توان در بازه کوتاه‌مدت مورد بررسی قرار داد. نرخ ارز که یکی از مهم‌ترین شاخص‌ها در اقتصاد کشور است، در زمان تحویل دولت نرخ ارز روی کانال ۶۰ هزار بود، در طول یک سال اخیر از ۸۰ هزار عبور کرد و به کانال ۹۰ هزار تومان رسید. این در حالی که در این مدت هیچ اتفاق ویژه‌ای در دارایی‌های ارزی کشور یا فروش نفت رخ نداده است. در این مقطع تحریم‌ها سنگین‌تر نشد، حتی سبک‌تر هم شد. پس چرا نرخ ارز چنین نوسانی را تجربه کرد؟

بانک مرکزی می‌گوید اگر سیاست‌های پیشین مدیران این نهاد ادامه می‌یافت، نرخ ارز به ۱۵۰ هزار تومان می‌رسید. بر همین اساس نیز برای ارز ۸۰ هزار یا ۹۰ هزار تومانی پاداش می‌خواهد. اگر ما فرض را بر این بگیریم این اظهارات قابل قبول است که نیست، چون ارز از ۶۰ هزار تومان به ۹۰ هزار تومان رسیده است و در این میان دولت یک وزیر اقتصاد را هم از دست داده است.

مرور عملکرد یک سال گذشته نشان می‌دهد در کنار تورم افسارگسیخته، ما افزایش قیمت‌ها در بازار کالا‌های اساسی و مصرفی را نیز تجربه کردیم. در این دوره قیمت‌ها به طور قابل توجهی افزایش یافته‌اند و حتی با کاهش‌های مقطعی نرخ ارز، قیمت‌ها کاهش نیافته‌اند. ما تورم کمتر از ۴۰ درصد را در مواد خوراکی نمی‌بینیم. میانگین این تورم نیز اگر ۳۵ درصد باشد، یعنی یک کالایی تورم پنج‌درصدی و دیگری تورم صددرصد را تجربه کرده است. این روند در گروه‌های دیگر نیز دیده می‌شود. ما شاهد اجاره‌خانه‌ها، بلیت وسایل نقلیه از جمله اتوبوس و دیگر کالاها نیز هستیم. وقتی ما در این مقطع افزایش قیمت‌های بدون بازگشت را حتی پس از کاهش ارز تجربه کردیم، یعنی با ضعف در مدیریت قیمت‌ها و نظارت بر قیمت‌ها روبه‌رو بودیم. گذشته از اینکه کمکی به قیمت‌های تمام‌شده محصول نشده است.

در نتیجه در این بخش هم عملکرد دولت قابل دفاع نیست. در این مدت، وزیر اقتصاد استیضاح شد. اما با وجود این تغییر، اثر مشخصی در روند بازار و قیمت‌ها مشاهده نشد. هنوز هم زرمه‌هایی درباره افزایش ۲۵درصدی قیمت خودرو شنیده می‌شود که نشان می‌دهد جهت‌گیری دولت در مهار گرانی‌ها، قابل اتکا نبوده است.

در نگاهی کلی به عملکرد اقتصادی دولت می‌بینیم تولید نفت رشد کرد اما این رشد هم بر پایه زیرساخت‌هایی استوار است که پیش از این فراهم شده‌اند. به همین دلیل، بهبود در این بخش را نمی‌توان دستاورد منحصر به دولت فعلی دانست؛ چراکه هر دولتی در چارچوب همان ظرفیت‌ها می‌تواند به بهبود نسبی در حوزه تولید نفت دست یابد.

در حوزه تولید و اشتغال نیز می‌بینیم مشکلاتی مانند کمبود برق، محدودیت منابع ارزی و عدم تأمین قطعات یدکی باعث شده است جهش قابل توجهی در تولید و اشتغال رخ ندهد. سهم بیکاری افزایش یافته و بهبود محسوس در این زمینه دیده نمی‌شود. در بخش کشاورزی نیز وضعیت بهبود نیافته است، به طوری که قیمت محصولاتسی مانند خیار حتی از قیمت یک واحد سهم ایران‌خودرو بیشتر شده است. این نشان می‌دهد که توزیع درآمد از تولیدکننده تا مصرف‌کننده عادلانه نیست و فشار بر مصرف‌کنندگان وجود دارد.

از منظر اقتصاد سیاسی، پرسش‌هایی درباره تأثیر روابط و نفوذ افراد بر تخصیص منابع اقتصادی مطرح است. سؤالاتی درباره اینکه آیا برخی افراد با استفاده از نفوذ خود توانسته‌اند وام‌های بهتر یا مجوزهای واردات بگیرند، در حالی که دیگران از این امکان محروم مانده‌اند، مطرح است. هرچند هنوز اطلاعات کافی برای قضاوت نهایی در این زمینه وجود ندارد، اما اگر چنین مواردی صحت داشته باشد، بخشی از مشکلات اقتصادی کنونی ناشی از این روابط است.

سیاست خارجی و مذاکرات نیز هرچند شروع شده است، اما تأثیر ملموسی بر اقتصاد کشور مشاهده نمی‌شود و هنوز مشخص نیست که این مذاکرات به چه نتایجی خواهد انجامید. از این رو، نمی‌توان درباره موفقیت یا عدم موفقیت دولت در این حوزه قضاوت کرد.

در حوزه فسادوری، آمارها از افزایش تعداد مقالات علمی منتشرشده در مجلات خارجی خبر می‌دهد. اما این اقدامات عمدتاً مبتنی بر زیرساخت‌هایی بوده که پیش از این دوره ایجاد شده و به تدریج در حال گسترش بوده‌اند. از این رو، نمی‌توان آنها را صرفاً نتیجه عملکرد یک ساله دولت دانست.

در نهایت، می‌توان گفت در طول یک سال نخست دولت مسعود پزشکیان، نرخ ارز در کانال ۹۰ هزار تومان قرار گرفته، تورم در حوزه کالا‌های اساسی و خوراکی حداقل ۴۰ درصد است. قیمت‌ها حتی پس از کاهش نرخ ارز کاهش نیافته‌اند، مدیریت قیمت‌ها و نظارت بر بازار ضعیف بوده، استیضاح وزیر اقتصاد تغییری در وضعیت ایجاد نکرده است، تولید و اشتغال به دلیل موانع متعدد رشد نکرده‌اند، توزیع درآمد عادلانه نیست و مسائل مربوط به اقتصاد سیاسی و تأثیر روابط در تخصیص منابع هنوز نیازمند شفاف‌سازی است. مذاکرات خارجی نیز هنوز نتایج روشنی در اقتصاد نداشته است. در مجموع، دولت در کنترل نرخ ارز، مهار تورم، مدیریت قیمت‌ها و بهبود تولید و اشتغال موفق عمل نکرده است.



عقل سلیم و اولویت

دشمن معظم رهبری در سال‌های مختلف تأکید بسیار بر نقش شناسایی و تدبیر برای مقابله کرده‌اند و البته این نمونه بارز یک عقل سلیم است، اما آنان که نوعاً متظاهراً سنگ ولایت بر سینه می‌زنند، آمریکا را موجود زبون و ترسو و در حال اضمحلال می‌خواندند و اسرائیل توسعه‌طلب، جنایت‌کار و کودک‌کش را موجودی ضعیف تصور کردند که فقط در حال حفظ و دفاع از خود است و عن‌قرب به دریا ریخته خواهد شد. این نشانه عدم شناخت دشمن توسط عقل سلیم و خودبزرگبینی و توهم است. اگر در شرایط عادی، هر کشوری نتواند اولویت‌ها را تشخیص دهد و امکانات خود را حسب اولویت به کار نگیرد، طبیعی است که نمی‌تواند به حیات خود ادامه دهد. در کشور ما مانند آنچه در برنامه‌های پنجم، ششم و هفتم توسعه، به همه امور یکسان نگرستند و صد البته به اجرای هیچ‌کدام توفیق نیافتند، بسیار است. درحالی‌که امروز در مرکز توطئه استکبار و صهیونیسم قرار داریم و باید اولویت‌ها تشخیص و به آن عمل شود، می‌بینیم پیس از آتش‌بس تجاوز ۱۲روزه صهیونیست‌ص، کارها همچنان به روال گذشته یعنی «بینیم چه می‌شود»، در جریان است و هیچ‌گونه برنامه مشخصی برای شرایط فعلی که همچنان در معرض خطر صهیونیسم اشغالگر و توسعه‌طلب و آمریکای سروری‌طلب است، دیده نمی‌شود. عقل سلیم را به کار گیریم.



فرودگاه مهرآباد، تهران

شرکت‌های هواپیمایی توضیح می‌دهند وزارت راه و شهرسازی به جای حمایت،

به ایرلاین‌های زمین‌گیر جنگ، فشار مضاعف وارد می‌کند

رودرروی صنعت هوایی

«برخی از شرکت‌های هواپیمایی فقط با دو فروند هواپیما فعال هستند و هواپیمای فعالی در ناوگان ندارند و در حال حاضر ناوگان هوایی کشورمان شرایط خوبی ندارد و نمی‌تواند تقاضای موجود را پاسخ دهد».

گذشته از شمار بالای هواپیماهای زمین‌گیر، سن بالای هواپیماهای عملیاتی و نقص فنی مداوم، بهره‌وری این صنعت را به‌شدت کاهش داده است. براساس آمار سازمان هواپیمایی کشوری، میانگین سن هواپیماهای عملیاتی بین ۲۶ تا ۲۷ سال اعلام شده است. این در حالی است که هواپیماهای فرسوده‌تری در خطوط عملیاتی فعال است که قدمت آنها به نسل دوم هواپیماهای تجاری برمی‌گردد و همین موضوع بهره‌وری صنعت هوایی را به‌شدت کاهش داده و موجب کاهش قابل ملاحظه درآمد ایرلاین‌ها شده است.

حالا که جنگ قوز بالاقوز ایرلاین‌ها شده است، فعالان صنعت هوایی می‌گویند نه‌تنها وزارت راه و شهرسازی برخلاف وزارت میراث فرهنگی و گردشگری کوچک‌ترین حمایتی از ایرلاین‌ها نکرده است بلکه برخلاف قوانین موجود همچنان برای قیمت‌گذاری دستوری نرخ بلیت هواپیما فشار می‌آورد.

بنا بر گفته فعالان صنعت هوایی براساس مصوبات و قوانین موجود پروازهای خارجی مشمول قیمت‌گذاری دستوری نمی‌شوند، اما وزارت راه و شهرسازی و سازمان هواپیمایی برخلاف قانون ایرلاین‌ها را برای اعمال قیمت دستوری برای پروازهای اربعین زیر فشار گذاشته است.

به همین اساس به‌تازگی سازمان هواپیمایی کشوری اعلام کرده است فروش بلیت پروازهای اربعین حسینی از روز چهارشنبه هشتم مرداد، با نرخ‌های مصوب آغاز خواهد شد و نرخ بلیت رفت و برگشت برای زائران از استان‌های شرقی و جنوبی کشور (خراسان، سیستان‌وبلوچستان، کرمان، یزد، هرمزگان، فارس، مازندران و گلستان) ۱۵ میلیون تومان و برای زائران از تهران و سایر استان‌ها ۱۳ میلیون تومان تعیین شده است.

محمد شالرفروش، کارشناس صنعت هوایی، به «شرق» توضیح می‌دهد که هنوز وضعیت پروازهای مسافری به شرایط عادی برگشته است. او ادامه می‌دهد: پرونده‌های اصلی ما یعنی فرودگاه امام خمینی و فرودگاه مهرآباد همچنان با محدودیت‌های زمانی در پروازها مواجه هستند و همچنین دو فرودگاه غرب کشور یعنی تبریز و اصفهان نیز به‌تازگی فعالیت خود را کاهش دهند تا مطمئن شوند محدودیت‌های پروازی و سپس چشم‌انداز مبهم آتش‌بس همگی بر کاهش تعداد پروازها و مسافران تأثیرگذار بوده‌اند و میزان استقبال از پروازهای مسافری دقیقاً مشابه ابتدای شیوع کروناست و مدت‌ها طول کشید تا مردم دوباره به وضعیت عادی اعتماد کنند.

این کارشناس تأکید می‌کند: بااین‌حال، می‌توان این روند را تسهیل و تسریع کرد. یکی از راهکارها، همکاری با شرکت‌های گردشگری، سازمان میراث فرهنگی و کانون جهانگردی است. می‌توان با ارائه تخفیف‌های ویژه، تورهای خاص و برگزاری جشنواره‌ها، مردم را به سفر ترغیب کرد. با توجه به شرایط اقتصادی موجود، بسیاری از مردم ترجیح می‌دهند هزینه‌های خود را کاهش دهند تا مطمئن شوند که کشور به حالت عادی بازگشته است و سپس دوباره برای سفر برنامه‌ریزی کنند. این امر نیازمند هماهنگی و همکاری گسترده میان شرکت‌های هواپیمایی، تورها، بخش گردشگری و انجمن شرکت‌های خدمات مسافرتی است.

این ایده شبیه طرحی است که در گذشته اجرا می‌شد؛ زمانی که بانک‌ها وام‌هایی برای خرید خودرو یا لوازم خانگی ارائه می‌دادند تا چرخه عرضه و تقاضا به حالت نرمال بازگردد.

یادداشت

خطر مکانیسم ماشه و آدرس اشتباهی تدرورها



مجتبی‌بهاروند

فعال اقتصادی حوزه‌حمل‌ونقل بین‌المللی و بازرگانی خارجی

در حالی که خطر فعال‌سازی مکانیسم ماشه بار دیگر بر سر اقتصاد ایران سایه انداخته، برخی جریان‌های تندرو در داخل کشور تلاش دارند این تهدید را بی‌اهمیت جلوه دهند. آنان با اظهاراتی همچون «مکانیسم ماشه بی‌اثر است» یا «تفاوتی نمی‌کند تحریم جدیدی وضع شود»، به گونه‌ای رفتار می‌کنند که کوبی تبعات این اقدام بین‌المللی فقط یک بازی رسانه‌ای است، نه تهدیدی واقعی برای معیشت و اقتصاد کشور. اما واقعیت چیز دیگری است. فعال‌سازی مکانیسم ماشه، به معنای بازگشت همه تحریم‌های شورای امنیت سازمان ملل علیه ایران خواهد بود؛ از جمله ممنوعیت فروش نفت، مسدودشدن دارایی‌های ارزی، توقف تبادلات بانکی رسمی و قطع همکاری‌های اقتصادی و مالی با نهادهای بین‌المللی. بازگشت چنین تحریم‌هایی فقط یک مسئله حقوقی یا سیاسی نیست، بلکه تبعات مستقیم آن در حوزه معیشت، سرمایه‌گذاری، اشتغال و سفره روزمره مردم قابل مشاهده خواهد بود. نادیده‌گرفتن این خطر، بیش از آنکه نشانه بی‌اطلاعی باشد، ناشی از رویکرد کسانی است که از استمرار تحریم‌ها سود می‌برند. در سال‌های گذشته، گروهی از افراد و جریان‌ها که به‌درستی می‌توان آنان را «کاسبان تحریم» نامید، از فضای بحرانی ناشی از تحریم‌ها برای رشد فعالیت‌های رانتی، سودجویی از ارز ترجیحی، واردات بی‌ضابطه و قاچاق بهره بردند. اینها همان کسانی هستند که همواره در مقابل هرگونه گشایش دلبیش‌دلبستگی مقاومت کرده و بر طبل «ایستادگی» بدون پشتوانه کوبیده‌اند؛ چراکه منافعهشان در تداوم همین وضعیت است. نکته تأسفبار آن است که این جریان‌ها پیشینه‌ای روشن در ارائه تحلیل‌های نادرست و غیرواقع‌بینانه دارند. زمانی در دولت‌های نهم و دهم گفته شد «تحریم‌ها کاغذپاره‌ای بیش نیست» یا اینکه «اگر اروپا نفت ایران را نخرد، قیمت نفت به ۲۰۰ دلار می‌رسد». اما نه‌تنها نفت ایران خریداری نشد، بلکه اقتصاد کشور در رکود و تحریم فرو رفت و تبعات آن سال‌هاست که ادامه دارد. بعدها نیز همین جریان مدعی شد زمستانی سخت در انتظار اروپاست؛ حال آنکه اروپا بدون گاز روسیه هم زمستان را پشت سر گذاشت ولی ایران همچنان با تورم دورقمی، کاهش درآمدهای نفتی و تنگنای مالی روبه‌روست. این نوع تحلیل‌های متوهمانه، بیش از آنکه از دانش اقتصادی با فیم واقع‌گرایانه ناشی شود، از نگاه ایدئولوژیک و منافع جناحی سرچشمه می‌گیرد. اکنون در آستانه یک پیچ مهم در مسافت بین‌المللی، نیازمند نگاهی مسئولانه و ملی به موضوعاتی چون مکانیسم ماشه هستیم. کوچک‌نمایی خطر تحریم‌ها، اشتباهی استراتژیک است که بار دیگر هزینه آن را مردم خواهند پرداخت؛ نه آنانی که در حاشیه امن سیاست با تجارت ایستاده‌اند. بهتر است به جای شعار، تاریخ را مرور و از تکرار خطاهایی که تا امروز بهای سنگینی داشته‌اند، پرهیز کنیم.

خبر

کیفیت آب تهران تغییر کرد؟

به گزارش ایسنا، تهران از منابع متنوعی برای تأمین آب بهره می‌گیرد؛ حدود ۵۰ درصد از منابع زیرزمینی و ۵۰ درصد از سدها و منابع سطحی، این تنوع منبع، در کنار شبکه‌ای با بیش از ۲۱ هزار کیلومتر طول و زیرساخت‌هایی که برخی از آنها تا ۷۰ سال قدمت دارند، شرایط مدیریت آب در پایتخت را پیچیده کرده است.